

گزارش خبری

جام جهان سعدی

ادامه از صفحه اول

در آن بستر نسبتاً امن و آرام، دوران درخشان دیگری از ادب پارسی آغاز شد و شاعران ممتازی همچون سعدی با الهام از مفاهیر پیشین و هم‌عصر خود مانند عطار، سنایی، مولوی و... به آفرینش‌های ادبی نو همت گماردند و خود الهام‌بخش شاعران قرن‌های بعد شدند. در این میان، سعدی شیرازی در خاندانی فاضل و در شهر و دیاری که با حضور حکیمان و عارفان و شاعران برجسته در قله ادب پارسی قرار داشت، چشم به جهان گشود و پرورش یافت. او که عاشق یادگیری و کسب دانش بود، تحصیلات عالی‌ه خود را در نظامیه بغداد که در آن روزگار از مهم‌ترین مراکز علمی جهان محسوب می‌شد، سپری کرد و از چشمه فیاض اندیشمندان و اندیشه‌های بزرگانی همچون امام محمد غزالی، بهره‌های فراوانی برد و با انبثایی پر از گوهرهای دانش و علم به شیراز بازگشت تا راهنمای مردم خود شود.

سعدی اینک به قدم رفت و به سر باز آمد/ مفتی ملت اصحاب نظر باز آمد مراجعت پرشکوه او به شیراز با آفرینندگی او اثر جاودان بوستان و گلستان همراه شد؛ دو کتابی که فضای فرهنگ و ادب ایران و جهان را سرسमत از بوی عطر خوش خود کرد به چه کار آید ز کل طبقی/ از گلستان من ببر ورقی

کل همین پنج روز و شش باشد/ وین گلستان همیشه خوش باشد و به راستی بوستان و گلستانش جهان ادب و فرهنگ و هنر را رونقی افزون بخشید. این دو اثر ارزشمند علاوه بر اینکه به لحاظ جنبه‌های ادبی در صدر بهترین میراث بزرگ جهان قرار می‌گیرند، باید آنها را در شمار آفریده‌های هنری دنیا قلمداد کرد. صنایع ادبی به یک‌دگررفته در آثار سعدی از قصه و حکایت تا تمثیل و قصیده و مثنوی و روایت‌های شیرین و طنزآلود جلوه‌های زیبایی را به نمایش می‌گازد. سعدی داروی تلخ نصیحت را به شهد طرافت درآمیخته تا طبع مخاطب ملول نشود و از دولت قبول محروم نگردد. نثر بی‌بدیل و نظم بی‌نظیر او طرب‌انگیز و طبیعت‌آمیز است. او که علاوه بر فضایل فلسفی و عرفانی، اندوخته‌ای بایسته از فقه و تفسیر قرآن را نیز در بطن و متن اندیشه خود دارد، «عالی‌ترین سطح عبادت را خدمت به خلق می‌داند» تا شاعر همه مردمان و همه روزگاران باشد.

سعدی که شخصیتی در تراز جهانی است و جهان‌شناسی را با سفرهای متعدد و دیدار با اندیشمندان و مردمان بسیاری در مناطق گوناگون دنیا تجربه کرده است، بر آثار ادبی بزرگانی همچون ولتر، ویکتور هوگو، لافونتین و... نیز تأثیر فراوان داشته، به‌گونه‌ای که لازار کارنو، فیزیک‌دان و ریاضی‌شناس برجسته و روشنفکر دولت ناپلئون، تحت تأثیر عاشقانه‌های سعدی نام فرزندش را هم‌نام او انتخاب می‌کند (نیکولا سعدی) تا در کنار جاودانگی سعدی ماندگار بماند.

اما آنچه امروز سعدی را پس از گذر قرن‌ها همچنان مانا و پویا و حاضر نگه داشته، پیام‌های جهانی اوست. سعدی در باب اول و دوم گلستان در سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان انبوهی از موعاظ و پند و اندرزهای گران‌بها را سرمشق حاکمان و مردم جهان قرار می‌دهد تا جایی که سازمان ملل متحد به‌عنوان نماینده جامعه بشری اشعار او را زینت‌بخش درگاه خود می‌داند.

بنی آدم اعضای یک پیکرند؛ که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار تو کز محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی

دنیای سعدی جهان آدمیت و معنیت و انسانیت است؛ دنیای خرمندی و دوراندیشی و عاقبت‌نگری است. سعدی پیوسته در بین و در کنار مردم و جامعه زندگی کرده و تصویر عاشقانه و شایسته از انسان عرضه می‌کند:

تن آدمی شریف است به جان آدمیان/ نه همین لباس زیاست نشان آدمیت رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند/ بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت در حکایت درخشانی از گفت‌وگوی درویش و پادشاه به نقل از درویش می‌گوید: «ملوک از بهر یاس رعیت‌اند نه رعیت از بهر طاعت ملوک».

پادشه پاسبان درویش است/ اگرچه رامش به فرّ دولت اوست سعدی در نقد و نصیحت حاکمان با شجاعت، صداقت، حقیقت‌جو و حقیقت‌گوی است و از دشمنی پرهیز می‌دهد و به صلح و آرامش و دوری از ستیز دعوت می‌کند که: آنکه جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کنند...

او حتی آرزوی مرگ دشمن را نیز بر نمی‌تابد و با نقل حکایتی از انوشیروان عادل می‌گوید: گر بمیرد عَدُو جای شادمانی نیست/ که زندگانی ما نیز جاودانی نیست

سعدی در بوستان که عدل و احسان را در باب‌های نخستین می‌ستاید و آرمان‌شهر خود را به جهان معرفی و دنیا را به اعتدال و میانه‌روی فرامی‌خواند، وظیفه نخستین حاکمان را دفع ظلم و ستمگری می‌داند و به کرامت و احسان تشویق می‌کند و آزادیگی را پاس می‌دارد:

گرت ز دست برآید جو نخل باش کریم/ ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد و در پایان بوستان و گلستانش می‌سراید و اتمام حجت می‌کند که: ما نصیحت به جای خود کردیم/ روزگاری در این به سر بردیم گر نیایب به گوش رعیت کس/ بر سروان پیام باشد و بس.



گزارش میدانی «شرق» از تجمع شبانه هزاران افغانستانی در مقابل سفارت برای احراز هویت

اولتیماتوم اخراج

زهراجعفرزاده

آدمند یا دوزانو تکیه زده‌اند به دیوار. دیوار سفارت افغانستان از دو روز پیش تکیه‌گاه تعداد بسیار زیادی از مهاجران افغانستانی بوده و آن ساعت از شب درست مانند ۹ صبح، مشغول به کار است. درهای سفارتخانه باز و چراغ‌ها روشن است. صد‌ها نفر در انتظارند و هزاران نفر از صبح به سمت خیابان پاکستان، خانه و کارگاه و خوابگاه را ترک کرده‌اند. وزارت کشور در بیانیه‌ای اعلام کرده مهاجران افغانستانی باید برای برخورداری از شناسنامه افغانستانی به سفارت مراجعه کرده و تثبیت هویت بشوند. آنها باید چند قطعه عکس و کپی مدارک داشته باشند، دو شاهد با شناسنامه افغانستانی یا همان تذکره همراه داشته و برای هر نفر ۹۰۰ تومان هراز پرداخت کنند. آنها باید افغانستانی بودن خودشان را ثابت کنند.

پنویج گوشه خیابان، تکیه‌زده به دیوارهای سیمانی، در سرمای آخرین روز فروردین منتظرند. سفیدی صورت زنان و مردان و کودکان خردسال، به‌سختی از میان پتوهای قرمز، سبز و آبی پیداست. سبدهای پلاستیکی، فلاسک چای و لیوان‌های پر و خالی، بخشی از پیاده‌راه است. گروهی آماده‌تر آمده‌اند. جاده‌های مسافرینی را در گوشه‌وکنار پهن کرده‌اند و زیر سقف‌های پلاستیکی و پارچه‌ای خزیده‌اند. تعدادی در ماشین‌ها جاگیر شده‌اند، شب اما یخ‌زده. آسفالت سرد است و در اولین ماه از بهار در دمای ۱۵ درجه، شب‌مانی سخت است. سربالایی خیابان پاکستان که بر خیابان بهشتی است، ساعت ۱۰ شب، روز است. آدم‌ها شانه به شانه هم از همان جا که پمپ‌بنزین شروع می‌شود تا دیوارهای انتهایی مصلّا نشسته‌اند، ایستاده‌اند، پنویج‌اند، در رفت و

خطر قرارگرفتن در لیست سباه

آن‌طور که گفته می‌شود، خانواده‌هایی که برگه سرشماری دارند، اگر دانش‌آموز داشته باشند تا سه ماه مهلت دارند از کشور خارج بشوند و آنها که هیچ مدرکی ندارند طی ۱۵ روز باید خاک ایران را ترک کنند. در این میان خانواده‌هایی هم هستند که در طرح سیرده‌گذاری صد میلیون تومانی برای صدور کارت هوشمند شرکت کرده بودند. به این افراد هم نامه داده می‌شود تا بقیه پولشان را بگیرند و از کشور خارج شوند. گروه دیگری از مهاجران هم هستند که شناسنامه شغلی یا همان برگه سفید شغلی دارند. در صورتی که تمایل داشته باشند می‌توانند از سفارت‌شان نامه بگیرند و از طریق سفارت ایران در افغانستان روادید بگیرند و وارد ایران بشوند. هر خانواده‌ای که در طرح خروج شرکت نکند بعد از طرح اگر دستگیر شود، رد مرز می‌شود و در لیست سیاه قرار می‌گیرد و پنج سال به او ویزا برای ورود به ایران داده نمی‌شود.

هراسیده اخراج

محمدرضا کنار برادرش دست در جیب بالاپوش مشک‌ی اش، کنار جدولی که فقط چند قدم با دیوار مصلّا فاصله دارد، ایستاده و از دور تماشا می‌کند. آنها بیش از ۲۰۰ متر با ساختمان سفارت فاصله دارند و بساط‌شان را در پیاده‌راه پهن کرده‌اند. همسر و ششش فرزندش را از شهرستان فلاورجان سوار اتوبوس کرده و به خیابان پاکستان آمده. آنها دو شب پیاپسی را همان‌جا روی زیراندازی حصیری و چندین پتو صبح کرده بودند و هنوز کارشان تمام نشده بود. محمدرضا ۳۳ ساله در ایران به دنیا آمده و ازدواج کرده و شش فرزند دارد. او کارت آمایش دارد و همسرش برگه سرشماری: «قرار است به ما شناسنامه افغانستانی بدهند و آنها‌یی که هویت‌شان اثبات نشود، رد مرز می‌شوند». از دو سه ماه پیش به مهاجران اعلام شده برای تثبیت هویت به سفارت افغانستان در تهران مراجعه کنند. اما حالا با تعیین مدت‌زمان مشخص، همه هراسیده از اخراج ناگهانی به سمت سفارت آمده‌اند. مهاجران از همه جای کشور آمده‌اند؛ اصفهان، قزوین، ورامین، قم، شیراز، بوشهر و... چون شب جایی برای ماندن ندارند و هر لحظه ممکن است نامه تثبیت هویت‌شان بیاید، شب را همان‌جا صبح می‌کنند. از خانه فلاکس و خوراکی آورده‌اند یا چند پتو که سرما را طاقت بیاورند: «با شناسنامه افغانستانی می‌توان حساب بانکی داشت، دانشگاه و مدرسه رفت و... البته ما با کارت آمایش هم می‌توانستیم حساب بانکی داشته باشیم اما

به‌طور مرتب بسته می‌شد». محمدرضا می‌گوید قبل از روی کار آمدن طالبان، آنها یک بار دیگر برای تثبیت هویت اقدام کرده و از طریق سایت و سفارت هم ثبت‌نام کرده بودند. اما با تغییر رژیم، دولت طالبان ثبت‌نام‌های قبلی را رد و اعلام کرده که باید همه دوباره اقدام کنند: «همه ما باید ثابت کنیم افغانستانی هستیم و کسانی که هیچ مدرکی ندارند باید آزمایش دای‌ای بدهند. نظامی‌ها هم که گفته می‌شود با تغییر رژیم دو هزار نفرشان به ایران آمده‌اند باید برگردند. همه آنها را از طریق اثر انگشت، شناسایی می‌کنند». البته اگر به افغانستان برگردند برایشان خطرناک است». آنها که مقابل سفارت مانده‌اند، می‌گویند مهلت‌شان تا آخر شهریور است. خانواده محمدرضا تا فردا ظهر کار دارند. به آنها گفته‌اند بعد از تثبیت هویت‌شان، باید به دفتر کفالت شهرشان مراجعه کنند و از آنجا منتظر مدرکشان بمانند.

سرگردانی برای یافتن شاهد

مرتضی هم متولد ایران است، کارت آمایش دارد و همراه با دو دایی و خاله‌اش ساعت دو بامداد روز قبل از قم به تهران آمده‌اند. دایی به آنها گفته‌اند باید منتظر بمانند. آنها هم خانه‌شان را کنار خانواده محمدرضا، پهن کرده‌اند. فریا سرگردان مقابل در ورودی سفارت ایستاده. ساعت از ۱۱ شب گذشته و او با تلفن همراه با مردی که میان شش‌لویی کشیده، حرف می‌زند. مرد، همشهری افغانستانی آنهاست که تذکره یا همان شناسنامه افغانستانی دارد. او پولی داده تا شاهدش شود و یک روز کامل با او بیاید و برود تا پرونده‌اش به نتیجه برسد. تمام کسانی که برای تثبیت هویت به سفارت رفته‌اند باید شاهد تذکره‌داری همراه داشته باشند. فریا اما در اطرافش کسی با این مشخصات نمی‌شناخت و در مقابل سفارت با این همشهری‌اش آشنا شده است. او از کرخ آمده و برای دو فرزند و همسرش اقدام کرده است. او کارت آمایش دارد اما همسر و فرزندانش برگه سرشماری. برای ماندگاری آنها در ایران باید برگه سرشماری‌شان از طریق فریا به شناسنامه افغانستانی تبدیل شود؛ البته به شرط تثبیت هویت. مدارک فریا هنوز ناقصی دارد. ساعت نزدیک به ۱۱ شب است و جایی باز نیست بتواند عکس‌هایش را چاپ کند. کارش به فردا موکول شد. از آنها نفقری ۹۰۰ هزار تومان گرفته‌اند. چهار نفرند و سه‌میلیون ۶۰۰ هزار تومان فقط به خود سفارت داده‌اند. زهر چا چند متر دورتر از در ورودی سفارت، جایی که مردان و زنان یک به یک وارد سالن می‌شوند، فاصله دارد. جادر را دور الهام و همسای سه‌ساله و

۱۱ساله پیچیده و در تاریکی به اطراف نگاه می‌کند. همسرش جلوتر ایستاده. زهر ۳۲ ساله و متولد قم است و در تهران زندگی می‌کند. همسرش برگه سرشماری دارد و خودش کارت آمایش: «هرکس مدارکش کامل‌تر باشد، زودتر هم می‌تواند برگه تثبیت هویت بگیرد». آنها بعد از ارائه مدارک باید منتظر بمانند تا دولت افغانستان هویت‌شان را تثبیت کند و بعد از تأیید، مدرک را به سفارت بفرستد. آنها هم از آنچه فرستاده شده، برنت می‌گیرند و به دست متقاضی می‌دهند. متقاضی هم با همان مدرک به دفتر کفالت می‌رود و منتظر می‌شود تا شناسنامه‌اش صادر شود.

چطور در افغانستان زندگی کنیم؟

خانواده مرضیه ساعت ۱۲ شب قبل به تهران آمده‌اند. اهل قزوین هستند و آنجا در پیاده‌راه با زنی به اسم زینب آشنا شده‌اند. زینب از ورامین آمده و روی زیرانداز، دراز کشیده. شب است، اما خیابان پاکستان درست مانند روز، رفت‌وآمد آدم‌ها را به چشم می‌بیند. زن همسایه سرش را از لابه‌لای پنجره بیرون می‌آورد به اعتراض و صایش را بلند می‌کند: «بروید آن طرف‌تر. چرا این‌قدر سرورسدا می‌کنید». زینب می‌گوید در این دو شب همسایه‌ها به‌شدت اعتراض کرده‌اند. حتی به آنها ناسزا گفته‌اند. تقصیر آنها چیست؟ مهلت تعیین کرده‌اند و مهاجران افغانستانی هم چاره‌ای نداشته‌اند. زنان و مردان مهاجر با هر مدرکی نگران‌اند. آنها می‌ترسند بعد از گرفتن شناسنامه افغانستانی، آنها را از کشور خارج کنند و به افغانستان برگرداند؛ افغانستانی که برای خیلی از آنها جهنم است. مرضیه که نمی‌داند افغانستان چه شکلی است، می‌گوید که آنجا دختران نمی‌توانند به مدرسه بروند، زن بدون مرد محرم نمی‌تواند از خانه خارج شود، کار نیست و چطور می‌توان آنجا زندگی کرد. آنها‌یی که در ایران مانده‌اند، از سر ناچاری است: «خیلی از اقوام‌مان را در یکی، دو سال گذشته رد مرز کرده‌اند. آنها‌یی را هم که ویزا داشته‌اند، برگردانده‌اند. برخی را از همان هواپیما بازگردانده‌اند و نگذاشته‌اند وارد ایران شوند». اما زینب خود برگه سرشماری دارد. همسر و فرزندانش کارت آمایش و حالا از طریق همسرش می‌تواند شناسنامه افغانستانی بگیرد، در غیر این صورت باید از کشور خارج شود. تنها سفارت افغانستان نیست که شلوغ شده؛ دفاتر کفالت تمام شهرها همین وضعیت را دارد: «ما فقط می‌خواهیم بچه‌هایمان درس بخوانند». دو پسر زینب کلاس سوم و چهارم ابتدایی‌اند. در مدرسه به آنها گفته‌اند تنها دو ماه فرصت دارند شناسنامه‌شان را

بیاورند، در غیر این صورت اخراج می‌شوند. مهاجران از این میزان تجمع در مقابل سفارت تعجب کرده‌اند و می‌گویند که مشخص نیست چند شب کارشان طول بکشد. مدرسه پسر عاطفه، زن مهاجر دیگری، به آنها اعلام کرده به‌سرعت بروند و مدرک بیاورند. این در حالی است که کارت آمایش دارند و به‌تازگی یک میلیون تومان به مدین کمک اجباری کرده‌اند. دو مرد جوان هم از قلعه‌حسن‌خان آمده‌اند. از ساعت چهار صبح روز قبلش مقابل سفارت ایستاده‌اند و منتظرند و به نظر می‌رسد که تا چند ساعت دیگر کارشان تمام می‌شود. آنها ۱۲ سال پیش به ایران آمده‌اند و برگه سرشماری دارند. همه‌شان ازدواج کرده و همسرشان کارت آمایش دارد. آنها از طریق همسرشان برای گرفتن شناسنامه افغانستانی اقدام کرده‌اند.

چه سرنوشتی در انتظار درمزی‌هاست؟

آرش نصرصفهانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مهاجرت است. او تاکنون چندین پژوهش درباره مهاجران افغانستانی انجام داده و حلالاً می‌گوید که در این طرح، حدود دو میلیون افغانستانی باید از ایران خارج بشوند؛ کسانی که سال گذشته مجاز بودند، حالا غیرقانونی به شمار می‌روند. او به «شرق» توضیح بیشتری می‌دهد: «ایران در سال ۱۴۰۲ طرح سرشماری مهاجران افغانستانی را برگزار کرد. دلیل اجرای این طرح هم بالارفتن جمعیت افغانستانی‌هایی بود که با روی‌کارآمدن دولت طالبان وارد ایران شده بودند. از قبل هم مهاجران زیادی در ایران زندگی می‌کردند و همین موضوع جمعیت افرادی را که بدون مدرک وارد ایران شده بودند، چندین برابر کرد. آن موقع طی این طرح سرشماری، کسانی که بدون مدرک بودند، مدرک اقامت موقتی تحت عنوان برگه سرشماری گرفتند. اتفاقی که افتاده، این است که از اول فروردین امسال اعلام شد تمام کسانی که برگه سرشماری دارند، به استثنای گروه کوچکی، باید به کشورشان برگردند، یعنی مدرک این افراد تمدید نمی‌شود. بر اساس این یک جمعیت حدود دو میلیون نفری در معرض اخراج اجباری از ایران قرار دارند؛ یعنی افرادی که تا سال قبل قانونی به شمار می‌رفتند و مجوز اقامت داشتند، حالا دیگر مدرک‌شان تمدید نمی‌شود». به گفته او، گروهی از خانواده‌ها هم هستند که فرزند مدرسه‌ای دارند و می‌خواهند تا آخر سال تحصیلی به مدرسه بروند، بنابراین باید مدرک‌شان هم تا آن موقع تمدید شود. برخی هم که ازدواج کرده‌اند و یکی از زوجین برگه سرشماری دارد، به اضافه نظامیان که پس از تغییر رژیم در افغانستان از کشور خارج شده و به ایران آمده‌اند، در گروه افرادی هستند که برای تثبیت هویت به سفارت مراجعه کرده‌اند. البته به نظامیان فقط شش ماه مهلت داده شده که به سفارت افغانستان مراجعه داشته باشند و بعد از آن باید از کشور خارج شوند. این افراد با باید به کشور خود برگردند یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی به کشور سومی فرستاده شوند؛ چراکه بازگشت‌شان به افغانستان خطرناک است. نصرصفهانی که در جریان جزئیات این فراخوان است، اضافه می‌کند که براساس این فراخوان کسانی که سال قبل مجاز بودند، حالا غیرمجاز شمرده می‌شوند؛ مگر اینکه این فرایند را طی کنند. به همین دلیل هم سفارت با تجمع افراد زیادی مواجه شده است. «سیاست ایران این است که ارائه هر شکلی از خدمات نیازمند تثبیت هویت افغانستانی است، اما اینکه برای مدت‌زمان کوتاهی این میزان از مهاجران باید به سفارت مراجعه کنند، قطعاً با شلوغی در مقابل سفارت و آشفتگی مواجه می‌شوند و از سوی دیگر هم امکانات سفارت محدود است و نمی‌تواند به این میزان از افراد خدمات بدهد. کلاً هم سیاست برای آسان‌کردن فرایند وجود ندارد. می‌توانستند از راه‌های آسان‌تری این کار را پیش ببرند که منجر به این میزان از شلوغی نشود». براساس صحبت‌های این پژوهشگر، تمام کسانی که برگه سرشماری دارند، باید به افغانستان برگردند، مگر اینکه ازدواج کرده باشند و همسرشان کارت آمایش داشته باشد. نکته‌ای که از سوی نصرصفهانی مورد توجه قرار می‌گیرد، وضعیت این افراد پس از بازگشت به افغانستان است. او می‌گوید باید به این موضوع توجه شود که در صورت بازگشت این افراد به افغانستان، آنها با چه شرایطی مواجه می‌شوند. نمی‌توان برای همه تصمیم کلی گرفت. این سیاست، زندگی حداقل دو میلیون نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ «مسئله اینجاست که ما هیچ فرایندی برای بررسی پرونده‌های فردی و خانوادگی افراد نداریم و بدون در نظر گرفتن این وضعیت برایشان تصمیم‌گیری می‌کنیم».

۶	۷	۵	۹	
	۳	۴		
۴	۲		۱	
۲	۹	۴		۸
۴	۲	۵	۹	۷
		۸		۶
۷			۲	۱
	۱	۲		۶

۸		۷	۱	۲	
۴	۷	۱		۸	
۱		۹			۳
	۳		۹	۷	۵
۹	۲	۷	۴	۸	۵
۳		۵			۳
۵			۵		
۷	۵	۲	۸	۹	
	۶				

سودوکو سخت ۴۰۲۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۰۲۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۰۲۵

۷	۸	۳	۱	۵	۹	۶			
۶	۵	۹	۸	۳	۷	۱	۲	۴	
۴	۱	۲	۹	۶	۵	۷	۸	۳	
۸	۳	۱	۶	۷	۲	۴	۵		
۹	۶	۵	۳	۸	۲	۱	۷		
۲	۴	۷	۱	۵	۹	۳	۶	۸	
۱	۷	۸	۲	۹	۳	۶	۴	۵	
۵	۹	۴	۷	۱	۶	۸	۳	۲	
۳	۲	۶	۵	۴	۸	۹	۷	۱	

۸	۲	۷	۳	۴	۹	۱	۶	۵	
۹	۴	۷	۵	۱	۳	۸	۲		
۱	۵	۳	۶	۲	۸	۷	۴	۹	
۴	۱	۵	۶	۲	۹	۷	۳		
۲	۶	۵	۹	۳	۷	۴	۱	۸	
۷	۳	۹	۸	۱	۴	۵	۲	۶	
۳	۸	۶	۴	۵	۲	۹	۱		
۹	۷	۱	۲	۸	۳	۶	۵	۴	
۵	۴	۲	۱	۹	۶	۸	۳	۷	

حل جدول ۵۰۲۹

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ت	م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا
ا	م	ل	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب
م	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج
ل	ا	ت	و	ب	و	س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر
و	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز	ح	ط	ب	ث	ج	ا	ی	س	و	ز
ب	ر	ی	و	ر	ا	ن	ز	و	ا	ا	ک	ه	و	ر	ی	و	ر	ا	ن
س	ی	م	ت	د	ی	ا	ک	ه	و										

خدمتکار ۱۰- خدمتکاران زیردست فرمانروا-

معشوق- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی
۱۱- شریف‌تر- سالن